

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۳ اپریل ۲۰۲۰

دولت دست نشانده قانونیت استعماری هم ندارد!

پنجشنبه - ۱۴ حمل ۱۳۹۹ - کابل: این را می دانیم که دولتها در کل روی دو پایه و اساس بنا یافته و یا می یابند، مبنای مشروعیت و مبنای قانونیت.

به ارتباط دولت دست نشانده در افغانستان، از آن جایی که این اداره مولود تجاوز و اشغال افغانستان به وسیله نیروهای اشغالگر است و نه در ایجاد آن و نه هم در دوام حاکمیت آن اراده مردم به مثابه منبع اصلی مشروعیت دهنده وجود ندارد، لذا طرح مسأله مشروعیت دولت دست نشانده خود به خود منتفی گردیده، اصولاً بحث در آن مورد زاید است. اما همین دولت نامشروع مولود تجاوز، بعد از انتصاب به حاکمیت از جانب اشغالگران، تلاش ورزید تا یک سلسله قوانینی را وضع و تصویب نماید، قوانین و مقرراتی که از جانب رسانه های امپریالیستی به نام "قانون اساسی" با بوق و سرنا به خورد مردم داده شد.

از زمان تصویب به اصطلاح "قانون اساسی" در "لویه جرگه" قانون اساسی، دولت دست نشانده که فاقد مشروعیت بود به مثابه یک کشور مستعمره قانونیت خاص خود را یافت. یعنی حاکمیت موظف گردید تا رتق و فتق امور را بر مبنای همان قانون دست ساخت استعمار پیش ببرد.

عدول از آن قانون و زیر پای نمودن آن هرچند در تمام این مدت یعنی در دوران حاکمیت "حامدکرزی" نیز وجود داشت، مگر بعد از آن که حکومت دوسره در مخالفت صریح با آن به وجود آمد، زیر پای کردن و نادیده گرفتن آن از جانب حکومت دوسره غیر مشروع و ضد قانونی چنان اوج گرفت که اینک به سنتی مبدل شده؛ دست نشانندگان استعمار تخطی از آن را از جمله افتخارات خود می دانند.

در جمع آنهایی که در این تخطی و قانون شکنی از همه بیشتر قانون را زیر پای نموده مقام اول را از آن خود کرده است، شخص "غنی احمدزی" رئیس غلامان کاخ سفید می باشد. چنانچه:

تا آنجایی که در تواریخ نگاشته و خوانده شده است، معمولاً وقتی کشوری مورد تجاوز و اشغال قرار می گرفت، نیروهای اشغالگر خود را صاحب و مالک مطلق سرزمین اشغالی دانسته، به خود حق می دادند تا به جان و مال کشور و یا شهر اشغالی "تصرف مالکانه" نموده به هیچ کسی هم حسابده نباشند. نمونه های تاریخی از اشغال افغانستان به وسیله یونانی ها، اعراب و مغولها شروع تا اشغال آن در قرن ۱۹ به وسیله انگلیس، در قرن بیست به وسیله روس و در قرن ۲۱ به وسیله امریکا.

به گواهی تاریخ کشور ما اشغالگران در تمام آن مقاطع تاریخی متناسب با توانائی هایشان مطابق به اراده خود حکم نموده، چند تن نوکر را از جانب خود نصب نموده اند، تا جریان امور را مطابق به اراده نیروی اشغالگر و "قوانینی" که اشغالگر وضع نموده اند اداره نمایند.

آنچه امروز یعنی حاکمیت "غنی احمدزی" را نسبت به تمام دوره ها متمایز می سازد، این است که در درازنای تاریخ "غنی احمدزی" یگانه نوکر و مزدوریست که نه تنها تصرف مالکانه را حق بدون مناقشه ارباب می داند، بلکه برای خود نیز اجازه می دهد تا به مانند ارباب و از موضع ارباب دوم بر همه چیز تصرف مالکانه اش را اعمال نماید. از جمله در نادیده گرفتن همان قانون اساسی دولت دست نشانده.

نظر به همان "قانون" این را می دانیم که رئیس جمهور در زمانی که قوه مقننه به رخصتی نرفته است، حق ندارد امور کشور را با صدور احکام تقنینی پیش ببرد. یک وزارتخانه به وجود آورد و یا یک وزارتخانه را تجزیه نموده، در تشکیل دولتی که چندین ماده همان قانون به آن اختصاص یافته است بنا به میل خود تغییر به وجود آورد. در حالی که "غنی احمدزی" از امروز تا فردا یعنی هرزمانی که دلش خواست یک اداره را به وجود می آورد و هرزمانی که میل داشت یک وزارتخانه را از بین می برد، کاری که با وزارت مالیه انجام داد.

این را می دانیم بعد از آن که به اصطلاح پارلمان دولت دست نشانده، حاکمیت را به علت دزدی های آشکار و اختلاس های گسترده اش حین سوء استفاده از کود ۹۱ دولت استفسار نمود، "غنی احمدزی" متوجه شد که برای یکه تازی هایش باید چاره ای ببیند که من بعد پارلمان نتواند وی را مورد مؤاخذه قرار دهد، همین بود که با صدور فرمان تقنینی در حالی که پارلمان وجود دارد و از اساس حق ندارد فرمان تقنینی صادر نماید، وزارت مالیه را به سه بخش تقسیم نموده، منابع عایداتی آن را منوط به "دفتر ریاست جمهوری" اعلام داشت. معنای این فرمان آن است که بعد از این پارلمان دولت دست نشانده حق ندارد بداند که عواید دولت چند است و در کدام راه ها به مصرف می رسد و چه مقدار از آن پول "سرخ و سفیداب روغنی" می گردد.

هموطنان گرامی!

دولت دست نشانده در کل با پناه گرفتن در عقب ویروس کشنده و مرگبار کرونا، هرچه دلش می خواهد انجام می دهد و بدان بهانه از ریختن مردم به سرکها جلوگیری می نماید. بیائید با پذیرش این اصل که "مردن یک بار و گریبان پاره کردن یک بار" بیش از این به دولت دست نشانده اجازه یک تازی و زور گوئی را ندهیم و این را بدانیم که حتا شکست کرونا نیز به نابودی این دولت گره خورده است.

سرکها ما را می طلبد!!